





دانشگاه پیام نور

دانشکده‌ی علوم اجتماعی

مرکز تهران

پایان نامه

برای دریافت مدرک کارشناسی ارشد

رشته‌ی جامعه‌شناسی

گروه علوم اجتماعی

بررسی مقایسه‌ای ساختار قدرت در خانواده بین زنان متأهل شاغل  
و غیرشاغل (مورد شهر کرج)

اعظم نیکفر

استاد راهنما:

دکتر پروانه دانش

استاد مشاور:

دکتر نصرتی

بهمن ۱۳۹۱

تقدیم به همسر

به پاس مهربانی‌ها و همدلی‌ها

سپاسگزارم از استاد محترم راهنما، سرکار خانم دکتر پروانه دانش، که این پایان‌نامه نتیجه‌ی زحمات و تلاش‌های ایشان است که با راهنمایی‌های ارزنده از آغاز پژوهش تا پایان، همواره با صبر و اخلاق نیکو در جهت بهبود فعالیت‌هایم کوشش کردند.

با سپاس ویژه از زحمات جناب دکتر نصرتی، استاد محترم مشاور، که در آغاز کار، نکات ارزنده‌ای را به پژوهشگر آموختند.

از جناب دکتر امیر ملکی که داوری این پایان‌نامه را به عهده گرفتند، صمیمانه تشکر می‌کنم.

## چکیده

پژوهش حاضر به منظور بررسی مقایسه‌ای ساختار قدرت در خانواده بین زنان متأهل شاغل و غیرشاغل شهر کرج در سال ۱۳۹۱ انجام گرفته است. جامعه‌ی آماری پژوهش شامل تمامی زنان متأهل شاغل و غیرشاغل است. حجم نمونه برآمده از فرمول نمونه‌گیری کوکران، برابر با ۳۸۲ نفر است و شیوه‌ی نمونه‌گیری، تصادفی است. چارچوب نظری مورد استفاده در این پژوهش، نظریه‌ی بوردیو و نظریه‌ی منابع است. نتایج پژوهش نشان داد بین زنان شاغل و غیرشاغل از لحاظ الگوی تصمیم‌گیری و الگوی تقسیم کار و ساختار خانواده تفاوت معناداری وجود دارد بدین معنا که در تعاملات خانوادگی، زنان شاغل در مقایسه با زنان غیرشاغل از قدرت بیشتری در خانواده برخوردارند. در کل می‌توان نتیجه گرفت که ساختار قدرت، همان‌گونه که پیش‌بینی می‌شد، به نفع شوهر است و میان ساختار قدرت و نابرابری جنسیتی در دسترسی به انواع سرمایه و میزان دسترسی زنان به منابع قدرت و برخی عوامل زمینه‌ای دیگر، رابطه‌ای معنادار وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که از کل متغیرهایی که وارد معادله شدند، چهار متغیر در این معادله باقی ماندند که به ترتیب عبارتند از: درآمد زن، وضعیت اشتغال زنان، طول مدت ازدواج و منزلت شغلی زوجین. این متغیرها در نهایت توانسته‌اند ۲۱/۴ درصد از واریانس متغیر وابسته را در نمونه تبیین کنند.

## فهرست مطالب

۲	۱- کلیات تحقیق
۲	۱-۱ مقدمه
۵	۲-۱ بیان مسأله
۹	۳-۱ ضرورت و اهمیت پژوهش
۱۲	۴-۱ اهداف تحقیق
۱۵	۲- مروری بر منابع و متون تحقیق
۱۵	۱-۲ مقدمه
۱۶	۲-۲ پیشینه‌ی نظری تحقیق
۱۶	۱-۲-۲ خانواده
۵۸	۲-۲-۲ قدرت
۶۸	۳-۲ چهارچوب نظری
۶۸	۱-۳-۲ نابرابری جنسیتی پی‌یر بوردیو
۸۴	۲-۳-۲ نظریه‌ی منابع و منابع در زمینه‌ی فرهنگی
۸۸	۳-۳-۲ نظریه‌ی مبادله
۹۴	۴-۳-۲ جمع‌بندی چارچوب نظری
۹۶	۴-۲ پیشینه‌ی تجربی تحقیق
۹۶	۱-۴-۲ تحقیقات انجام شده در ایران
۹۸	۲-۴-۲ تحقیقات انجام شده در خارج از کشور
۱۰۲	۵-۲ مدل تحلیلی
۱۰۳	۶-۲ فرضیات
۱۰۸	۳- روش تحقیق
۱۰۸	۱-۳ مقدمه
۱۰۸	۲-۳ روش تحقیق
۱۰۹	۱-۲-۳ تکنیک گردآوری

۱۱۰.....	۲-۲-۳ واحد تحلیل و جامعه‌ی آماری
۱۱۰.....	۳-۲-۳ حجم نمونه
۱۱۱.....	۴-۲-۳ روش نمونه‌گیری
۱۱۲.....	۳-۳ تعریف نظری و عملی مفاهیم
۱۱۲.....	۱-۳-۳ متغیر وابسته
۱۱۴.....	۲-۳-۳ متغیرهای مستقل
۱۱۷.....	۳-۳-۳ متغیرهای زمینه‌ای
۱۲۰.....	۴-۳-۳ متغیرهای جمعیت‌شناختی
۱۲۱.....	۴-۳ پایایی (قابلیت اعتماد) پرسش‌نامه
۱۲۲.....	۵-۳ روایی (اعتبار)
۱۲۲.....	۶-۳ روش تجزیه و تحلیل داده‌ها
۱۲۵.....	۴- تجزیه و تحلیل داده‌ها
۱۲۵.....	۱-۴ مقدمه
۱۲۵.....	۲-۴ آمار توصیفی
۱۴۶.....	۳-۴ آمار استنباطی
۱۶۲.....	۴-۴ تحلیل رگرسیون چندمتغیره
۱۷۵.....	۵- جمع‌بندی نتیجه‌گیری و ارایه‌ی پیشنهادات
۱۷۵.....	۱-۵ جمع‌بندی
۱۸۹.....	۲-۵ پیشنهادات
۱۸۹.....	۱-۲-۵ پیشنهادات کاربردی
۱۹۰.....	۲-۲-۵ پیشنهادات محقق
۱۹۰.....	۳-۲-۵ پیشنهادات پژوهشی
۱۹۱.....	۳-۵ موانع و محدودیت‌های این پژوهش
۱۹۱.....	۱-۳-۵ محدودیت‌های در اختیار
۱۹۱.....	۲-۳-۵ محدودیت‌های خارج از اختیار
۱۹۲.....	پیوست الف

فهرست منابع ..... ۱۹۶

بخش اول: منابع فارسی ..... ۱۹۶

بخش دوم: منابع لاتین ..... ۱۹۸



## فهرست جداول

- جدول ۳-۱: تعریف عملیاتی مفهوم الگوی تصمیم‌گیری ..... ۱۱۳
- جدول ۳-۲: تعریف عملیاتی مفهوم الگوی تقسیم‌کار ..... ۱۱۴
- جدول ۳-۳: تعریف عملیاتی مفهوم نابرابری جنسیتی (دسترسی به انواع سرمایه) ..... ۱۱۶
- جدول ۳-۴: تعریف عملیاتی مفهوم فرضیه‌های زمینه‌ای ..... ۱۱۹
- جدول ۳-۵: تعریف عملیاتی مفهوم متغیرهای جمعیتی ..... ۱۲۰
- جدول ۳-۶: نتیجه‌ی آزمون پایایی هر طیف به روش آلفای کرونباخ ..... ۱۲۲
- جدول ۴-۱: توزیع فراوانی و درصد پاسخ‌گویان بر حسب تحصیلات ..... ۱۲۶
- جدول ۴-۲: توزیع فراوانی و درصد پاسخ‌گویان بر حسب وضعیت فعالیت ..... ۱۲۷
- جدول ۴-۳: توزیع فراوانی و درصد پاسخ‌گویان بر حسب منزلت شغلی ..... ۱۲۷
- جدول ۴-۴: توزیع فراوانی و درصد پاسخ‌گویان بر حسب توزیع درآمد ماهیانه ..... ۱۲۸
- جدول ۴-۵: توزیع فراوانی و درصد پاسخ‌گویان بر حسب گروه سنی زنان ..... ۱۲۹
- جدول ۴-۶: توزیع فراوانی و درصد پاسخ‌گویان بر حسب گروه سنی مردان ..... ۱۲۹
- جدول ۴-۷: توزیع فراوانی و درصد پاسخ‌گویان بر حسب مدت ازدواج ..... ۱۳۰
- جدول ۴-۸: توزیع فراوانی و درصد پاسخ‌گویان بر حسب گروه‌های قومی ..... ۱۳۱
- جدول ۴-۹: توزیع فراوانی و درصد پاسخ‌گویان بر حسب محل تولد ..... ۱۳۱
- جدول ۴-۱۰: توزیع فراوانی و درصد پاسخ‌گویان بر حسب محل گذران زندگی ..... ۱۳۲
- جدول ۴-۱۱: توزیع فراوانی و درصد پاسخ‌گویان بر حسب تعداد اعضای خانواده ..... ۱۳۲
- جدول ۴-۱۲: توزیع فراوانی و درصد پاسخ‌گویان بر حسب الگوی تقسیم کار ..... ۱۳۳
- جدول ۴-۱۳: توزیع فراوانی و درصد کل پاسخ‌گویان بر حسب الگوی تقسیم کار ..... ۱۳۴
- جدول ۴-۱۴: شاخص‌های گرایش مرکزی و شاخص‌های پراکندگی الگوی تقسیم کار ..... ۱۳۴
- جدول ۴-۱۵: توزیع فراوانی و درصد پاسخ‌گویان بر حسب الگوی تصمیم‌گیری ..... ۱۳۵
- جدول ۴-۱۶: توزیع فراوانی و درصد کل پاسخ‌گویان بر حسب الگوی تصمیم‌گیری ..... ۱۳۵
- جدول ۴-۱۷: شاخص‌های گرایش مرکزی و شاخص‌های پراکندگی الگوی تصمیم‌گیری ..... ۱۳۶
- جدول ۴-۱۸: توزیع فراوانی و درصد کل پاسخ‌گویان بر حسب ساختار قدرت ..... ۱۳۷
- جدول ۴-۱۹: شاخص‌های گرایش مرکزی و شاخص‌های پراکندگی ساختار قدرت ..... ۱۳۷
- جدول ۴-۲۰: توزیع فراوانی و درصد پاسخ‌گویان بر حسب سرمایه‌ی اجتماعی ..... ۱۳۸

- جدول ۴-۲۱: توزیع فراوانی و درصد کل پاسخ‌گویان برحسب سرمایه‌ی اجتماعی ..... ۱۳۹
- جدول ۴-۲۲: شاخص‌های گرایش مرکزی و شاخص‌های پراکندگی سرمایه‌ی اجتماعی ..... ۱۳۹
- جدول ۴-۲۳: توزیع فراوانی و درصد پاسخ‌گویان برحسب سرمایه‌ی اقتصادی ..... ۱۴۰
- جدول ۴-۲۴: توزیع فراوانی و درصد پاسخ‌گویان برحسب سرمایه‌ی اقتصادی ..... ۱۴۱
- جدول ۴-۲۵: شاخص‌های گرایش مرکزی و شاخص‌های پراکندگی سرمایه‌ی اقتصادی ..... ۱۴۱
- جدول ۴-۲۶: توزیع فراوانی و درصد پاسخ‌گویان زن برحسب استفاده از کالاهای فرهنگی ..... ۱۴۲
- جدول ۴-۲۷: شاخص‌های گرایش مرکزی و شاخص‌های پراکندگی سرمایه‌ی فرهنگی ..... ۱۴۳
- جدول ۴-۲۸: توزیع فراوانی و درصد پاسخ‌گویان مرد برحسب استفاده از کالاهای فرهنگی ..... ۱۴۴
- جدول ۴-۲۹: توزیع فراوانی و درصد پاسخ‌گویان برحسب سرمایه‌ی فرهنگی ..... ۱۴۵
- جدول ۴-۳۰: شاخص‌های گرایش مرکزی و شاخص‌های پراکندگی استفاده از کالاهای فرهنگی ..... ۱۴۶
- جدول ۴-۳۱: همبستگی پیرسون بین انواع سرمایه و الگوی تصمیم‌گیری ..... ۱۴۶
- جدول ۴-۳۲: همبستگی پیرسون بین انواع سرمایه و الگوی تقسیم کار ..... ۱۴۷
- جدول ۴-۳۳: همبستگی پیرسون بین انواع سرمایه و ساختار قدرت ..... ۱۴۸
- جدول ۴-۳۴: همبستگی پیرسون بین درآمد زن و الگوی تصمیم‌گیری ..... ۱۴۸
- جدول ۴-۳۵: همبستگی پیرسون بین درآمد زن و الگوی تقسیم کار ..... ۱۴۹
- جدول ۴-۳۶: همبستگی پیرسون بین درآمد زن و ساختار قدرت ..... ۱۴۹
- جدول ۴-۳۷: همبستگی پیرسون بین وضعیت اشتغال زنان و الگوی تصمیم‌گیری ..... ۱۵۰
- جدول ۴-۳۸: همبستگی پیرسون بین وضعیت اشتغال زنان و الگوی تقسیم کار ..... ۱۵۰
- جدول ۴-۳۹: همبستگی پیرسون بین وضعیت اشتغال زنان و ساختار قدرت ..... ۱۵۱
- جدول ۴-۴۰: همبستگی پیرسون بین منزلت شغلی زوجین و الگوی تصمیم‌گیری ..... ۱۵۲
- جدول ۴-۴۱: همبستگی پیرسون بین منزلت شغلی زوجین و الگوی تقسیم کار ..... ۱۵۲
- جدول ۴-۴۲: همبستگی پیرسون بین منزلت شغلی زوجین و ساختار قدرت ..... ۱۵۳
- جدول ۴-۴۳: همبستگی پیرسون بین تحصیلات زوجین و الگوی تصمیم‌گیری ..... ۱۵۳
- جدول ۴-۴۴: همبستگی پیرسون بین تحصیلات زوجین و الگوی تقسیم کار ..... ۱۵۴
- جدول ۴-۴۵: همبستگی پیرسون بین تحصیلات زوجین و ساختار قدرت ..... ۱۵۴
- جدول ۴-۴۶: همبستگی پیرسون بین خاستگاه اجتماعی زوجین و الگوی تصمیم‌گیری ..... ۱۵۵
- جدول ۴-۴۷: همبستگی پیرسون بین خاستگاه اجتماعی زوجین و الگوی تقسیم کار ..... ۱۵۵
- جدول ۴-۴۸: همبستگی پیرسون بین خاستگاه اجتماعی زوجین و ساختار قدرت ..... ۱۵۶

- جدول ۴-۴۹: همبستگی پیرسون بین بعد خانوار و الگوی تصمیم‌گیری ..... ۱۵۶
- جدول ۴-۵۰: همبستگی پیرسون بین بعد خانوار و الگوی تقسیم کار ..... ۱۵۷
- جدول ۴-۵۱: همبستگی پیرسون بین بعد خانوار و ساختار قدرت ..... ۱۵۷
- جدول ۴-۵۲: همبستگی پیرسون بین سنّ زوجین و الگوی تصمیم‌گیری ..... ۱۵۸
- جدول ۴-۵۳: همبستگی پیرسون بین سنّ زوجین و الگوی تقسیم کار ..... ۱۵۸
- جدول ۴-۵۴: همبستگی پیرسون بین سنّ زوجین و ساختار قدرت ..... ۱۵۹
- جدول ۴-۵۵: همبستگی پیرسون بین طول مدت ازدواج و الگوی تصمیم‌گیری ..... ۱۵۹
- جدول ۴-۵۶: همبستگی پیرسون بین طول مدت ازدواج و الگوی تقسیم کار ..... ۱۶۰
- جدول ۴-۵۷: همبستگی پیرسون بین طول مدت ازدواج و ساختار قدرت ..... ۱۶۰
- جدول ۴-۵۸: آزمون تفاوت میانگین الگوی تصمیم‌گیری برحسب وضعیت اشتغال ..... ۱۶۱
- جدول ۴-۵۹: آزمون تفاوت میانگین الگوی تقسیم کار برحسب وضعیت اشتغال ..... ۱۶۱
- جدول ۴-۶۰: آزمون تفاوت میانگین ساختار قدرت برحسب وضعیت اشتغال ..... ۱۶۲
- جدول ۴-۶۱: تحلیل چندمتغیره‌ی گام‌به‌گام برای پیش‌بینی متغیر وابسته (الگوی تقسیم کار) ..... ۱۶۳
- جدول ۴-۶۲: عناصر متغیرهای درون معادله برای پیش‌بینی متغیر وابسته (الگوی تقسیم کار) ..... ۱۶۴
- جدول ۴-۶۳: تحلیل چندمتغیره‌ی گام‌به‌گام برای پیش‌بینی متغیر وابسته (الگوی تصمیم‌گیری) ..... ۱۶۵
- جدول ۴-۶۴: عناصر متغیرهای درون معادله برای پیش‌بینی متغیر وابسته (الگوی تصمیم‌گیری) ..... ۱۶۶
- جدول ۴-۶۵: تحلیل چندمتغیره‌ی گام‌به‌گام برای پیش‌بینی متغیر وابسته (ساختار قدرت) ..... ۱۶۷
- جدول ۴-۶۶: عناصر متغیرهای درون معادله برای پیش‌بینی متغیر وابسته (ساختار قدرت) ..... ۱۶۷
- جدول ۴-۶۷: تحلیل چندمتغیره‌ی گام‌به‌گام برای پیش‌بینی متغیر وابسته (الگوی تقسیم کار) ..... ۱۶۸
- جدول ۴-۶۸: عناصر متغیرهای درون معادله برای پیش‌بینی متغیر وابسته (الگوی تقسیم کار) ..... ۱۶۹
- جدول ۴-۶۹: تحلیل چندمتغیره‌ی گام‌به‌گام برای پیش‌بینی متغیر وابسته (الگوی تصمیم‌گیری) ..... ۱۷۰
- جدول ۴-۷۰: عناصر متغیرهای درون معادله برای پیش‌بینی متغیر وابسته (الگوی تصمیم‌گیری) ..... ۱۷۱
- جدول ۴-۷۱: تحلیل چندمتغیره‌ی گام‌به‌گام برای پیش‌بینی متغیر وابسته (ساختار قدرت) ..... ۱۷۲
- جدول ۴-۷۲: عناصر متغیرهای درون معادله برای پیش‌بینی متغیر وابسته (ساختار قدرت) ..... ۱۷۲

## فهرست اشکال

- شکل ۱-۲: تعامل در خانواده (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۸)..... ۴۰
- شکل ۲-۲: ساختار نقش در خانواده..... ۴۲
- شکل ۳-۲: مدل تحلیلی..... ۱۰۳

فصل اوّل

# کلیّات تحقیق

## ۱- کلیات تحقیق

### ۱-۱ مقدمه

یکی از مفاهیمی که در علوم اجتماعی، بالاخص جامعه‌شناسی کاربرد وسیعی داشته است، موضع قدرت است. این مفهوم به لحاظ اندیشه‌ی غنی که در آن وجود دارد، باعث افتراقات بسیاری در برداشت از آن شده است تا آنجا که به‌زعم یکی از جامعه‌شناسان معاصر، هیچ مفهومی در جامعه‌شناسی به اندازه‌ی مفهوم قدرت، مشکل‌زا و سردرگم نبوده است. (کوزر<sup>۱</sup> و روزنبرگ<sup>۲</sup>، ۱۹۷۱:۵۵)

قدرت، یک پدیده‌ی عامّ جهان‌شمول است که در تمامی روابط اجتماعی وجود دارد. یکی از حوزه‌های مهم و قابل بررسی در جامعه‌شناسی خانواده، کنش متقابل و توزیع قدرت میان اعضای خانواده است. این مسأله به قدری حائز اهمیت است که توجه بسیاری از اندیشمندان را به کانون خانواده جلب کرده است. (آلن<sup>۳</sup> و بلایزورک<sup>۴</sup>، ۱۹۹۵:۱۸۰)

خانواده برای همه‌ی ما مفهومی آشنا و ملموس است. بیش‌تر افراد جامعه، خود را عضو یک خانواده می‌دانند. البته، این خانواده اولین و نخستین گروه اجتماعی است که فرد به آن می‌پیوندد، اما، به محض شنیدن این واژه، تصویر نوع خاصی از خانواده در ذهن متبلور می‌شود و آن عبارت است از شوهری در رأس، همراه با همسر و فرزندان در قاعده‌ی هرم. این شکل خانواده در ذهن یکایک ما

---

<sup>1</sup> Coser

<sup>2</sup> Rosenberg

<sup>3</sup> Allen

<sup>4</sup> Belaisurek

به منزله‌ی شکل عادی، طبیعی واجتناب‌ناپذیر جاافتاده است. این پدیده همان چیزی است که از آن به عنوان قدرت یاد می‌کنیم. قدرت و احراز آن از پدیده‌های تاریخی است که همواره، هم در عمل و هم در اندیشه، مطرح بوده است. به عبارت دیگر، قدرت جزء لاینفک زندگی اجتماعی است و در تمامی شئون زندگی افراد از جمله در خانواده مطرح است. قدرت، یکی از جنبه‌های گریزناپذیر روابط انسانی است که بر تمام شئون زندگی اجتماعی افراد سایه افکنده است. خانواده در طول تاریخ تحت تأثیر تحولات گوناگون اجتماعی و اقتصادی، دگرگون شده است. ابتدایی‌ترین تحول عمده در ساختار خانواده مربوط به فرآیند گذار از ساختار اقتصادی مبتنی برگردآوری و شکار به اقتصاد کشاورزی است که به تعبیر مارکس و پیروان وی، زمینه‌ساز الگوی غالب خانواده بود که با ویژگی‌های عصر ماقبل صنعتی تناسب داشت. از ویژگی‌های خانواده در این دوران می‌توان به زندگی چند نسل در کنار یکدیگر، برجسته بودن نقش خانواده به عنوان یک واحد اقتصادی، نداشتن پویایی و تحرک جغرافیایی، وابستگی به خاک و زمین، داشتن فرزند زیاد به عنوان نیروی کار و نگهداری از سالخوردگان اشاره کرد. اما با ظهور انقلاب صنعتی، نهاد خانواده دچار تغییراتی شد. با افزایش مهاجرت به شهرها، رشته‌ی خانواده‌ی گسترده از هم گسست و خانواده‌ی هسته‌ای الگوی عام نهاد خانواده شد که در آن بسیاری از کارکردهای خانواده به نهادهای جدیدی مانند مهد کودک، مدارس خانه‌های سالمندان، رسانه‌های جمعی و نهادهای تأمین و رفاه اجتماعی واگذار شده است. در خانواده‌ی هسته‌ای با انتقال فضای تولید اقتصادی از خانه و مزرعه به کارخانه‌های صنعتی و بنگاه‌های اقتصادی و تجاری، نقش اقتصادی خانواده در زندگی اجتماعی کم‌رنگ شده است. کاهش تعداد فرزندان، زندگی یک پدر و مادر و فرزندان در زیر یک سقف و حضور زنان در فضای اجتماعی خارج از خانواده از دیگر ویژگی‌های خانواده‌ی هسته‌ای در عصر مدرن محسوب می‌شود. (تافلر، ۱۳۷۴: ۲۴۹-۲۲۰)

تافلر معتقد بود در عصر اطلاعات با گسترش تجهیزات الکترونیکی، زندگی افراد دگرگون شده و امکانات تازه‌ای ایجاد می‌شود و نظام‌های تخصیص امتیاز و سلسله‌مراتب شغلی گذشته و به‌ویژه تقسیم کار بر اساس جنس و شعبه‌شعبه کردن کارها از بین می‌رود. در این روند، زنان به عنوان نیروی مهم و اثرگذار، نقش مهمی ایفا می‌کنند. (همان)

اکنون با گذشت حدود دو دهه از پیش‌بینی‌های تافلر، بسیاری از گفته‌های او تحقق یافته و در نقاط گوناگون جهان شاهد پیشرفت‌های گسترده در ساختار زندگی روزمره به‌ویژه در ساختارهای شغلی هستیم. با این همه، هنوز هم در بسیاری از نقاط جهان در بازار کار، زنان و مردان در تصدی پست‌های مدیریتی از شانس مساوی برخوردار نیستند.

در طول تاریخ در مسیر تغییر و تحول قرار داشته است. از جمله عوامل مؤثر بر این تغییرات، مشارکت فزاینده زنان در عرصه‌های عمومی و ورود آنان به دنیای اشتغال می‌باشد. با رفتن زنان از خانه و اشتغال آنان، اصول زندگی سنتی در هم شکسته شد و ساختار قدرت بین زن و مرد در جریان تعاملات خانوادگی تغییر یافت.

هر چند ورود زنان به صحنه‌های گوناگون فعالیت‌های اجتماعی، امتیازات بسیاری برای آنان در پی داشت؛ اما نه تنها به معنای مظهر پایانی بر ستم و استعمار زنان نبود، بلکه زمینه را برای بهره‌کشی و تبعیض علیه آنان به اشکال دیگر فراهم ساخت. در واکنش به این امر، جنبش‌های دفاع از حقوق زنان که به تدریج از سال ۱۹۲۰ به بعد رو به خاموشی نهاده بودند، مجدداً در دهه‌ی ۱۹۶۰ اوج گرفتند. (گیدنز، ۱۳۷۳:۲۰۰)

پژوهش‌ها نشان داده است که در صورت پافشاری هریک از زن و شوهر در اعمال قدرت و حاکمیت خود، تا حدی موجب به خطر افتادن خوشبختی در خانواده می‌شود. با وجود تمامی این تغییرات و تحولات، در اغلب جوامع تفاوت‌های جنسیتی و کارکردها همچنان آشکار است و از آنجا که هر انسانی اولین مراحل جامعه‌پذیری را در کانون خانواده پشت سر می‌گذارد، اولین نمونه‌های نابرابری جنسیتی را در خانواده تجربه می‌کند و روابط پدر و مادر و سهم‌بری آن‌ها از سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نمادین، تصویری عینی از روابط زن و مرد و تقسیم سرمایه‌ها بین آن‌ها را در ذهن کودک ایجاد می‌نماید و این نابرابری به مرور این تصویر ذهنی کودکان را شکل می‌دهد که نابرابری جنسیتی امری طبیعی است. همچنین پذیرش باورهای قالبی از سوی زن خانواده باعث می‌شود که اولاً، زن موقعیت فرودست خود و سهم‌بری نابرابر امکانات موجود را بپذیرد و ثانیاً، مادر که مهم‌ترین کارگزار جامعه‌پذیری تلقی می‌شود، این باورها را به نسل‌های آتی منتقل کند و



باعث استمرار و باز تولید نابرابری در خانواده و به دنبال آن در جامعه شود و عرصه‌های عمومی و خصوصی زنان خالی از مناسبات قدرت باشد و مردان تصمیم‌گیرنده‌ی اصلی در خانواده به‌شمار روند و با وجود دستیابی زنان به منابع اصلی اقتدار، از قبیل اشتغال، درآمد و تحصیلات، هم‌چنان در موضع فرودستی قرار داشته باشند و علی‌رغم اشتغال در خارج از خانه، مسؤولیت‌های منزل را به‌دوش کشند.

## ۲-۱ بیان مسأله

خانواده یکی از دیربازترین نهادهای اجتماعی است که به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران، تاریخی به قدمت حیات انسان دارد. به لحاظ اهمیت و نقشی که این نهاد در سلامت و تداوم حیات جامعه دارد، همواره یکی از موضوعات مورد علاقه و توجه متفکران اجتماعی بوده است؛ تا آن‌جا که هر دانشمندی به فراخور تخصص و زمینه‌ی فکری خویش، به تفکر و تدبّر در ابعاد مختلف آن پرداخته است. خانواده نیز همچون سایر نهادهای تشکیل‌دهنده‌ی جامعه، در طول تاریخ دچار دگرگونی‌های ژرفی شده است. یکی از این دگرگونی‌ها در ساخت خانواده، به‌خصوص کنش متقابل میان زن و شوهر، تغییر در مفهوم نقش است. دگرگونی‌های اجتماعی و تحوّل در الگوهای زندگی جوامع شهری و ورود زنان به اجتماع موجب تغییر و تحوّل در نگرش افراد به توزیع نقش‌ها و به‌تبع آن، توزیع قدرت در خانواده شده است. چگونگی تقسیم قدرت در خانواده بین زن و شوهر با کمیت و کیفیت خوشبختی زوج‌ها و احساس عادلانه بودن قدرت رابطه دارد. (عنایت، ۱۳۸۹: ۱۰۸)

لنسکی (لنسکی و لنسکی، ۱۳۶۹) بر این عقیده است که جریان صنعتی شدن و تخصصی شدن امور در جامعه‌ی جدید، بخش مهمی از مسؤولیت‌های خدماتی و تولیدی خانه و خانواده را به سازمان‌های دیگر انتقال داده است. از سوی دیگر، جریان این توسعه، ساختار سنتی روابط خانوادگی را از لحاظ اقتدار حاکم بر آن سست کرده است. پدر خانواده دیگر همان رئیس مرسوم در جامعه‌ی سنتی محسوب نمی‌شود. یکی دیگر از دلایل مهم افت اقتدار خانواده مربوط به نگرش رایج در

جوامع صنعتی است که بیشتر بر حقوق فردی تأکید دارند و همان‌گونه که نقش‌های سنتی و نهادهای سیاسی و اقتصادی را دگرگون ساخت، نقش خانواده را نیز در جامعه تغییر داد. تأثیر تحولات صنعتی شدن بر خانواده، به‌ویژه تحوّل روابط سنتی اقتدار و تغییر نقش سنتی زنان از هم‌هی ابعاد مشهودتر است. (گیدنز، ۱۳۷۳: ۱۸۵)

نخستین نشانه‌های دگرگونی در نقش زنان، در قرن نوزدهم میلادی در اروپا پدیدار شد. به‌طور کلی این دگرگونی از یک سو بر آگاهی زنان نسبت به حقوق فردی و اجتماعی خود تأثیر گذاشت و از سوی، باعث ایجاد تغییراتی در نگرش سنتی مردان نسبت به توانایی‌ها و نقش زنان در خانواده و جامعه شد. به‌دنبال این دگرگونی‌ها، ساختار خانواده از بُعدهای مختلف، به‌ویژه از لحاظ توزیع قدرت و نوع اقتدار حاکم بر آن و هم‌چنین از نظر تقسیم کار سنتی، دستخوش دگرگونی شد. بر اثر این تغییر و تحولات، جامعه به‌تدریج از الگوی جامعه‌ی کشاورزی به سنتی تغییر یافت. بنابراین، هم کارکردها و هم اقتدار خانواده همراه با آن دگرگون شد (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۵۴).

ورود صنعت و تکنولوژی جدید، خانواده‌ی ایرانی را نیز دچار دگرگونی نموده و منجر به ظهور آشکال جدیدی از خانواده در جامعه‌ی ما گردیده است. یکی از جامعه‌شناسان روند این دگرگونی را این‌گونه توصیف می‌کند: «به‌طور کلی دگرگونی خانواده‌ی ایرانی و ابعاد مختلف آن در نیم‌قرن اخیر آرام، کند، مستمر و قاطع بوده است». (قادری، ۱۳۷۵: ۵)

در گذشته، شکل مسلط خانواده در ایران تابع سنت و مذهب بود که ریاست اصلی آن در اختیار پدر خانواده بود و در ساختار سلسله‌مراتبی قدرت، شوهر یا پدر در رأس هرم قرار می‌گرفت و زن، به علت قرار گرفتن در قاعده‌ی هرم قدرت خانواده و داشتن نقش‌های احساسی و عاطفی، سهم اندکی در اتخاذ تصمیمات مهم زندگی داشت. اما، با ورود زنان به دنیای کار و اشتغال در بیرون از منزل و اهمیت یافتن درآمد آنان در تأمین هزینه‌های خانواده، و نیز کم‌رنگ شدن ارزش‌های مربوط به حاکمیت نگرش‌های جنس‌گرایانه، ساخت خانواده دگرگون شد و پیدایی تعادلی نو ضرورت یافت. (قندهاری، ۱۳۸۲: ۱۷)

در تعریف رایج، خانواده را نه براساس کارکرد، بلکه بر اساس ساختار آن، که عبارت است از کلیه‌ی روابط بین اعضا، در نظر می‌گیرند. بنابراین، از آن‌جا که قدرت در همه‌ی روابط متقابل بین افراد ساری و جاری است، شکل تصمیم‌گیری و انجام کارها در گروه، خانواده را متأثر می‌سازد. (دونیسی<sup>۱</sup> و کو<sup>۲</sup>، ۲۰۰۶: ۶۵-۵۳)

قدرت، متغیر اجتماعی مهمی است که در بررسی هر ساختار اجتماعی، نهاد، گروه، و حتی روابط مرسوم بین افراد باید مورد توجه قرار گیرد و خانواده نیز از این قاعده مستثنا نیست و می‌توان نوع روابط قدرت را در آن، مورد بررسی قرار داد. وبر، قدرت را امکان تحمیل اراده‌ی یک فرد بر رفتار دیگران تعریف می‌کند (گال‌برایت، ۱۳۷۱: ۸) و از دیدگاه پارسونز، قدرت، امکان دستیابی به تسهیلاتی است که تصرف آن‌ها مطلوب، و عرضه‌ی آن‌ها نسبت به تقاضا محدود است. در روابط خانوادگی، قدرت مفهومی است که از راه رفتارهای عینی اعضا قابل مشاهده است و معمولاً شاخص عمده‌ی میزان قدرت زن و شوهر در روابط متقابل‌شان، الگوی مشارکت در تصمیم‌گیری است. (گروسی، ۱۳۸۷: ۹)

گاتسو-ویندل<sup>۳</sup> و مک‌مولین<sup>۴</sup>، تقسیم کار خانگی درون خانواده را شکلی از روابط قدرت بین زن و شوهر می‌دانند و این ایده از سوی زو و بیان هم تأیید شده است. در نظریه‌ی منابع، بحث بر سر این است که ارزش منابع قابل مبادله‌ای که زن و شوهر با خود وارد روابط می‌کنند متفاوت است و هرچه منابع در دسترس همسران شبیه‌تر باشد، فاصله‌ی توزیع قدرت و نابرابری بیش‌تر می‌شود. (خوی<sup>۵</sup> و لای<sup>۶</sup>، ۲۰۰۲: ۲۴۵)

---

<sup>1</sup> Ndubisi

<sup>2</sup> Koo

<sup>3</sup> Gazso-Windle

<sup>4</sup> McMullin

<sup>5</sup> Xu

<sup>6</sup> Lai

در کنار منابع در دسترس، باورهای قالبی معطوف به جنسیت و نگرش‌های نقش جنسیتی، که در برخی فرهنگ‌ها بر نابرابری طبیعی و اجتماعی زن و مرد صحه می‌گذارند، نیز می‌تواند قدرت فرد را در فرآیند تصمیم‌گیری خانوادگی کاهش دهد. (کافمن<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰: ۱۲۸)

در کشور ما با توجه به این دگرگونی‌ها، اشتغال زن بیرون از خانه با جابه‌جایی وظایف که مستلزم برابری زن و مرد در تقسیم کارهای خانگی و تصمیم‌گیری است همراه نگردیده و هنوز خانه‌داری در جامعه‌ی ما شغلی غیرجدی و غیرعملی تلقی می‌شود و این مسأله که با وجود دگرگونی‌ها و همچنین حرکت زن به بیرون از خانه هم‌چنان وظایف سنگین خانه‌داری بر دوش زنان است، مسائلی تازه را در این میان مطرح خواهد کرد. زنان شاغل اغلب به سمت انتظارات برابری اختیارات سوق می‌یابند درحالی‌که زنان خانه‌دار به سمت انتظارات سنتی اختیارات تغییر می‌کنند. شوهران زنان شاغل نیز اغلب در جهت برابری اختیارات حرکت کرده‌اند حال آن‌که اغلب شوهران زنان خانه‌دار در جهت توقع اختیارات سنتی تغییر کرده‌اند.

بنابراین، تحلیل و درک ویژگی‌های جامعه‌ی ایران بدون توجه به جریان دگرگونی‌های اجتماعی-اقتصادی در حال وقوع امری غیر ممکن است.

کرج، شهری است در ۲۵ کیلومتری غرب تهران و دارای جمعیتی است بالغ بر ۱۷۳۲۲۷۵ نفر که حدود ۸۱۴۸۶۹ نفر آن را زنان تشکیل می‌دهند. با توجه به آمار و اسناد موجود در مرکز آمار، حدود ۵۱۴۱۴۸ نفر آن‌ها شاغل و بقیه غیرشاغل هستند. کرج در تقسیمات کشوری مرکز استان البرز محسوب می‌شود و به لحاظ ویژگی جمعیت‌شناختی به دلیل مهاجرت به این شهر از تنوع و گستردگی قومیتی برخوردار است به‌طوری‌که این چندگانگی باعث شده تا مردم از تعاملات چهره‌به‌چهره‌ی کم‌تری برخوردار باشند و از احوال یکدیگر کم‌تر اطلاعی داشته باشند. هم‌چنین، به‌خاطر سرعت روزافزون آن به سمت جامعه‌ای گسترده و پیچیده‌تر (ارگانیکی) و از بین رفتن تقریباً تمامی بافت سنتی آن، از عوارض گذار تدریجی به‌سوی شهر بزرگتر مصون نمانده است. افزایش روزافزون طلاق

---

<sup>1</sup> Kaufman